

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 2, Spring 2021, 273-297
Doi: 10.30465/crtls.2020.31130.1860

A Critical Review of the Book “Scientific Research; Bases, Methods and Principles, Procedures”

Sadq Askari*

Abstract

Critical analysis of scientific productions highlights the strengths and weaknesses of authors and avoids the weaknesses. Achieving the desired perfection in the compilation of academic resources is possible after explicit and constructive criticism. In this article, “*Scientific Research, Its Foundations, Methods and Principles, Procedures*”, written by Mostafa Robhi Alianhas, been criticized. The results of the critique and review of this book show that this book, despite some strengths such as the use of many and varied sources, the use of exercises and tables and diagrams that have played an effective role in explaining and teaching concepts, however, have many defects in the field of form and content, unfortunately. The most important formal defects include lack of strict observance of general rules of writing, interpretive and syntactic errors due to incorrect use of words and combinations, lack of formal comprehensiveness due to lack of introduction and methodical conclusion. The most important content shortcomings include repetition of the subject, incomplete arrangement and chaptering, superficial and hasty review, reliance on compilation and collection, and as a result, lack of critique and innovation.

Keywords: Scientific Research, Mostafa Alian, Methods and Procedures, Book Review.

* Associate Professor, Semnan University, Iran, S_askari@semnan.ac.ir

Date received: 12/10/2020, Date of acceptance: 16/03/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیست‌ویکم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۴۰۰، ۲۷۵-۲۹۷

تحلیل انتقادی کتاب

البحث العلمي؛ أسسة، مناهجة و أساسیة، إجراءة

(پژوهش علمی؛ مبانی، روش‌ها، و ضوابط)

صادق عسکری*

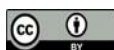
چکیده

نقد و تحلیل انتقادی تولیدات علمی نقاط قوت و ضعف نویسندگان را برجسته می‌کند و تقویت نقاط قوت و اجتناب از نقاط ضعف را به‌دنبال خواهد داشت. رسیدن به کمال مطلوب در تدوین منابع دانشگاهی پس از نقدهای صریح و سازنده میسر است. در این نوشتار کتاب *البحث العلمي؛ أسسة، مناهجة و أساسیة، إجراءة*، اثر ربیحی مصطفی علیان، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. نتایج به‌دست‌آمده از بررسی این کتاب نشان می‌دهد که کتاب حاضر، علی‌رغم برخی نکات قوت از قبیل استفاده از منابع فراوان و متنوع، استفاده از تمرین‌ها، جدول‌ها، و نمودارها که در تبیین و آموزش مفاهیم نقش مؤثری داشته است، متأسفانه نواقص شکلی و محتوایی فراوانی دارد. مهم‌ترین نواقص شکلی عبارت‌اند از رعایت نکردن دقیق قواعد عمومی نگارش، خطاهای لغوی، رعایت نکردن قواعد صرف و نحو، خطاهای تعبیری و انشایی ناشی از عدم استعمال درست واژه‌ها و ترکیب‌ها، فقدان جامعیت صوری ناشی از فقدان مقدمه روش‌مند، و فقدان خاتمه در پایان فصل‌ها و پایان کتاب. مهم‌ترین نواقص محتوایی هم شامل تکراری بودن موضوع، تنظیم و فصل‌بندی ناقص، بررسی سطحی و شتاب‌زده، تکیه بر تدوین و جمع‌آوری، و در نتیجه فقدان نقد و نوآوری است.

کلیدواژه‌ها: *البحث العلمي*، ربیحی مصطفی علیان، روش تحقیق، نقد کتاب.

* دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. S_askari@semnan.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

نقد و نقادی از دیرباز در زندگی انسان سابقه داشته است و انسان‌ها در طول تاریخ افکار و اندیشه‌های خود را در زمینه‌های متعدد دینی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و ادبی با کمک منتقدان دل‌سوز یا حتی عیب‌جویان و دشمنان کینه‌توز اصلاح کرده‌اند. لذا می‌توان گفت ارزش نقد ادبی از ارزش خود آثار ادبی کم‌تر نیست؛ چراکه شناساندن نقاط ضعف و قوت یک اثر باعث اجتناب نویسنده یا حتی دیگر نویسندگان بعدی از نواقص مشابه می‌شود و فواید آثار فراوانی را به دنبال خواهد داشت.

آنچه در این نوشته می‌آید ملاحظات مختصری درباره کتاب *البحث العلمي؛ أسسه، مناهجه و أساسیته، اجراءاته*، اثر ربیحی مصطفی علیان است. هدف از این پژوهش بررسی شکلی و محتوایی کتاب یادشده است. در این پژوهش بر آنیم تا با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و پس از معرفی کلی اثر نتیجه ارزیابی خود را در دو مبحث شکل و محتوا متمرکز کنیم و از روی صدق و اخلاص و درعین حال صریح و بی‌پرده ملاحظاتی را که درحین مطالعه و بررسی این اثر به ذهن خواننده خطور کرده است، برای نویسنده محترم و علاقه‌مندان به حوزه نقد آثار علمی و آموزشی به‌رشته تحریر درآوریم، به این امید که این تلاش گام کوچک و مؤثری باشد برای ارتقای سطح علمی آثاری که در آینده ممکن است در این زمینه به زیور چاپ آراسته شوند.

درخصوص پیشینه تحقیق باید گفت که بررسی‌های انجام‌شده نشان داده است که این کتاب تاکنون در ایران موردنقد و بررسی قرار نگرفته است. با این حال کتاب‌های متعدد روش تحقیق که در رشته‌های مختلف علوم انسانی در داخل و خارج از کشور چاپ شده است، هم‌چنین نقدهای متعددی که در شورای بررسی متون پژوهشگاه علوم انسانی وزارت علوم انجام شده و در *پژوهش‌نامه انتقادی متون* چاپ شده است، مانند مقاله «نقد و تحلیل کتاب روش تحقیق به زبان ساده»، از مراد اسماعیلی، اردیبهشت ۱۳۹۷، و مقالات دیگری که در *فصل‌نامه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی* به چاپ رسیده است، مانند مقاله «نقد کتاب فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی»، از مصطفی همدانی، تابستان ۱۳۹۳ راه‌گشای مؤلف مقاله حاضر بوده است.

مهم‌ترین سؤالاتی که در این بررسی به دنبال پاسخ آنیم، عبارت‌اند از مزایا و نواقص کتاب حاضر از نظر شکل و ساختار ظاهری چیست؟ کتاب موردنظر در زمینه کیفیت و محتوا دارای چه نکات ضعف و قوتی است؟ در این مقاله پس از معرفی کلی اثر

تحلیل انتقادی کتاب: *البحث العلمي؛ أسسه، مناهجه و أساسیة، إجراءاته ...* (صادق عسکری) ۲۷۷

تلاش می‌شود تا در دو مبحث اصلی با عنوان ارزیابی شکلی و ارزیابی محتوایی به دو سؤال فوق به تفصیل پاسخ داده شود.

۲. معرفی کلی کتاب

۱.۲ معرفی نویسنده

ربحی مصطفی علیان در سال ۱۹۵۴ در روستای یالو از استان قدس در اردن به دنیا آمد و تحصیلات کارشناسی را در رشته علوم تربیتی دانشگاه اردن و کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته کتاب‌داری و علم‌سنجی به ترتیب در دانشگاه ویلز انگلستان و سپس در دانشگاه بتسبرگ آمریکا به پایان رساند. وی پس از بیست سال تدریس و پژوهش در اردن و بحرین و تألیف کتاب‌ها و مقالات فراوان در زمینه علم‌سنجی و کتاب‌داری هم‌اکنون رئیس دانشکده علوم تربیتی دانشگاه زرقاء در اردن است (خلیفه ۲۰۱۱؛ <<http://www.academic.ju.edu.jo/r.elayyan/default.aspx>>، صفحه شخصی دکتر ربیحی علیان در سایت دانشگاه اردن).

۲.۲ توصیف ظاهری کتاب

کتاب مورد بررسی در ۳۴۸ صفحه در قطع وزیری در انتشارات بیت الأفكار الدولية در اردن در سال ۲۰۰۱ (۱۳۸۱) چاپ شده است. این کتاب نه فصل به ترتیب زیر دارد:

فصل اول: مفهوم و اهداف تحقیق علمی (۲۳ صفحه)؛

فصل دوم: روش‌های تحقیق علمی (۳۳ صفحه)؛

فصل سوم: مشکل و موضوع تحقیق و فرضیه‌ها (۱۹ صفحه)؛

فصل چهارم: روش‌ها و ابزارهای جمع‌آوری معلومات (۷۰ صفحه)؛

فصل پنجم: نمونه‌گیری (۲۰ صفحه)؛

فصل ششم: آمارگیری (۶۴ صفحه).

فصل هفتم: کتاب‌خانه‌ها (۴۷ صفحه).

فصل هشتم: مستندسازی و ارجاع‌دهی (۲۱ صفحه).

فصل نهم: نگارش گزارش تحقیق (۲۰ صفحه).

۳. ارزیابی شکلی

شاخص‌هایی که در ارزیابی شکلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، به ترتیب عبارت‌اند از طراحی جلد، صحافی، حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، رعایت قواعد عمومی نگارشی و ویرایشی، و در نهایت مستندسازی و ارجاع‌دهی.

۱.۳ نکات قوت در بررسی شکلی

با بررسی شکلی کتاب از فایل پی‌دی‌اف (pdf)، باید اذعان کرد که کتاب حاضر شکل و قالب خوبی دارد که بیان‌گر تجربه ناشر در حوزه نشر است. از دیگر نکات مثبت و مزایای فنی کتاب در زمینه شکل ظاهری حروف‌نگاری خوب و قابل قبول است. انتخاب نوع خط متناسب با زبان عربی است و واژه‌ها و سطرها نیز با فاصله مناسبی از هم قرار گرفته‌اند، به طوری که متن برای خواننده چشم‌نواز به نظر می‌رسد. هرچند اگر حجم حروف کمی بزرگ‌تر می‌شد یا فاصله بین سطرها کمی بیش‌تر می‌شد، زیباتر جلوه می‌کرد. صفحه‌آرایی کتاب هم، علی‌رغم برخی نواقصی که بعداً به آن اشاره می‌شود، قابل قبول است. فاصله بندها (پاراگراف‌ها) از هم و تورفتگی ابتدای بندها باعث متمایز شدن آن‌ها از هم‌دیگر شده و بر زیبایی صفحه افزوده است. غلط‌های چاپی در این اثر بسیار اندک است و این تعداد اندک از غلط‌های چاپی در آثار علمی قابل اغماض است.

۲.۳ نکات ضعف در بررسی شکلی

پس از بیان نکات قوت شکلی و فنی، در این بخش به بیان نکات ضعف شکلی در زمینه طراحی جلد، صحافی، حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، و رعایت قواعد عمومی نگارشی و ویرایشی، و در نهایت مستندسازی و ارجاع‌دهی می‌پردازیم.

۱.۲.۳ طرح جلد

شکی نیست که طرح روی جلد در میزان توجه و اقبال خوانندگان تأثیر فراوان دارد. با دقت در طرح روی جلد کتاب حاضر، می‌توان گفت دقت و مهارت لازم در طراحی جلد به کار نرفته است. به نظر مؤلف، در طراحی روی جلد دو نقص مشاهده می‌شود: یکی ابهام و غموض در برخی تصاویر از جمله تصویر شخصی که بر گه طولانی شبیه پرینت حساب بانکی در دست دارد. ای کاش به جای این تصویر تصویر فیش تحقیق گذاشته می‌شد یا

تصویر یک جلد کتاب که علی‌رغم ارتباط پژوهش‌های کتاب‌خانه‌ای با این تصویر، به دلیل مبهم و مه‌آلود بودن تصویر، به سختی می‌توان ارتباط این تصویر را با موضوع کتاب فهمید. نقص دیگر تمرکز بر تحقیقات آزمایشگاهی در یکی از تصاویر روی جلد و هم‌چنین در تنها تصویر پشت جلد در انتهای کتاب است که بیش‌تر مناسب کتاب‌ها و تحقیقات پزشکی است و نه پژوهش‌های علوم انسانی که موضوع اصلی این کتاب است.

۲.۲.۳ غلط‌های چاپی

غلط‌های چاپی در این کتاب بسیار اندک و قابل‌اغماض است، ولی برای اجتناب از این اشتباهات در چاپ‌های بعدی به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: «الاستیانة بدل الاستبانة» (علیان ۲۰۰۱: ۹۵)؛ «صعوبة الحصل» به جای «صعوبة الحصول» (همان: ۹۷)؛ «عندما یخفق فی التعرف علی، أو یقلل من أهمية أو یهمل و قائع هامة» (همان: ۱۱۴) که به نظر می‌رسد نوشتن برخی کلمات، به‌ویژه بعد از التعرف علی، جا افتاده است؛ «توجد ثلاثة أنواع من الفهارس» به جای «أربعة أنواع» (همان: ۲۶۴)، چون بعد از آن چهار نوع فهرست ذکر شده است.

۳.۲.۳ قواعد عمومی نگارش

یکی از نواقص شکلی بارز این کتاب رعایت نکردن دقیق قواعد عمومی نگارش و دستور زبان است که ناشی از ویرایش تخصصی نشدن اثر است. در این بخش به نمونه‌هایی از خطاهای نگارشی و ویرایشی از قبیل غلط‌های لغوی، صرفی، و نحوی اشاره می‌شود:

الفکر العلمی به جای التفكير العلمی (علیان ۲۰۰۱: ۲۴، ۲۵). بحوث أساسیة به جای بحوث نظریة (همان: ۲۶، ۳۹). مجتمع الدراسة به جای مجموعة الدراسة (همان: ۲۷، ۵۴) [نویسنده در صفحه ۶۲ واژه مجموعه را به کار برده است]. خطوات البحث به جای محتویات البحث یا محاور البحث (همان: ۲۸). إقامة به جای إعداد (همان: ۳۰). الكادر به جای الأعضاء یا الأفراد (همان: ۳۱). عقد اتفاقیات تعاون و تبادل معلومات و خبرات و زیارات باحثین، به جای عقد اتفاقیات التعاون و تبادل المعلومات و الخبرات و الزیارات للباحثین (همان: ۳۰). مخرجات به جای إنتاجات (همان: ۳۱). عددٌ به جای أذکر (همان: ۳۲). قائمة محتویاتها به جای فهرس محتویاتها (همان). وضع و صياغة الفرضیات به جای وضع الفرضیات و صياغتها (همان: ۳۵). موضوع و محتوی الظاهرة المدروسة به جای موضوع الظاهرة المدروسة و محتواها (همان). مناهج و أسالیب البحث العلمی به جای مناهج البحث العلمی و أسالیبه (همان). إهمال لغة و دقة

و تسلسل عبارات و فقرات التقرير به جای إهمال لغة العبارات و فقرات التقرير و دقتها و تسلسلها (همان: ۳۲۸). أساليب البحث العلمی به جای مناهج البحث العلمی (همان: ۳۶، ۴۰). تشمل مجموعة من المراحل به جای تشتمل على مجموعة من المراحل (همان: ۳۶). في دراسات المنهج التاريخی به جای في الدراسات التاريخية (همان: ۴۳). صحة و موضوعية النتائج به جای صحة النتائج و موضوعيتها (همان: ۵۸). المعدل التراكمی به جای المعدل الإجمالي (همان: ۷۲). إعطاء به جای تعيين (همان: ۸۵). الفاكس به جای الناسوخ (همان: ۱۰۰). حالیا به جای فوراً (همان: ۱۰۱). كان طويلاً به جای كانت طويلة (همان). لقاء يتم بين الشخص المقابل (الباحث أو من ينوب عنه) الذي يقوم بطرح مجموعة من الأسئلة على الأشخاص المستجيبين و جهة لوجه. بين الشخص المقابل و بين من؟ (همان: ۱۰). التعارف به جای التعرف (همان: ۱۶۱). أيّ ظاهرتين به جای أيّة ظاهرتين (همان: ۲۱۷). لأفراد المجتمع كافة الذي تخدمه به جای لكافة أفراد المجتمع الذي تخدمه (همان: ۲۴۳). في متن البحث به جای في نصّ البحث (همان: ۲۹۶). هم چنین متن البحث به جای صلب البحث (همان: ۳۱۹). و نقد تقريره من آخرين مختصين به جای من قبل آخرين مختصين (همان: ۳۲۱). استخدام فعل ماضی عند تقريرك للبحث به جای استخدام فعل ماض (همان). أخطاء بمراجعة الدراسات السابقة به جای أخطاء خاصة بمراجعة الدراسات السابقة أو أخطاء في مراجعة الدراسات السابقة (همان: ۳۲۵). ممّا يؤدي لفقدان الباحث به جای ممّا يؤدي إلى فقدان الباحث (همان: ۳۲۸). قائمة المحتويات به جای فهرس المحتويات (همان: ۳۴۵).

از دیگر نواقص لغوی در این زمینه استفاده از واژه‌ها و عبارتهایی است که چندان رایج نیستند و به ندرت استفاده می‌شوند، و به همین دلیل مبهم و ناشناخته بوده است. به نظر می‌رسد استفاده نویسنده از کلمات انگلیسی یا محلی بر این ابهام افزوده است. واژه‌های انگلیسی مانند کاسیت، کارتردج، میکروفیش، آترافیش که گاهی بدون معادل عربی آمده‌اند (همان: ۱۴۹)؛ واژه‌ها و ترکیب‌های مبهم مانند بعض عذع الفهارس (همان: ۱۴۰). يكون الميكروفيلم في شكل بكرة مفتوحة (همان: ۱۴۸). النقاط التي إحدائياتها الأولى (همان: ۱۸۷). الوسط الحسابی، حالة الوسيط و المنوال (همان: ۱۹۷).

هم چنین در کنار نواقص و غلط‌های صرفی و نحوی و لغوی یادشده، نویسنده محترم در این اثر گاهی از کلمات و واژه‌های زائد و تکراری استفاده کرده است از قبیل کلماتی که حجم العينة کبیراً کلمات و واژه‌های زائد و تکراری استفاده کرده است از قبیل «کلمات» از خطاهای شایع در زبان عربی امروزی است. يجب مراعاة ذكر ما يلي به جای يجب مراعاة ما يلي یا يجب ذكر ما يلي (همان: ۱۸۳). الطلاب الذکور به جای الطلاب (همان: ۱۸۵) [الذکور زائد

است به‌ویژه بعد از طلاب الذکور طالبات نیز آمده است]. گذاشتن پرانتز اضافی برای کلمه عامّه در عبارت آن تگون (عامّة) لجميع المواطنين. هم‌چنین در سطر بعدی آن تقدّم خدماتها (لعامة) الناس (همان: ۲۴۵).

۴.۲.۳ مؤلفه‌های جامعیت صوری

مؤلفه‌های جامعیت صوری در این اثر ناقص و ضعیف است. نویسنده در ابتدای کتاب یک مقدمه ناقص آورده است که علمی و روش‌مند نبوده است و از نتیجه‌گیری و خاتمه در آخر کتاب هم خبری نیست. درخصوص فصل‌ها هم همین نقص و آشفتگی مشاهده می‌شود. یعنی برخی فصل‌ها مقدمه دارند، ولی برخی فصل‌ها مقدمه ندارند. شگفت‌آور این‌که هیچ‌یک از فصل‌های نه‌گانه کتاب هم خاتمه و نتیجه‌گیری ندارد. هم‌چنین تنها فهرست کتاب فهرست محتویات و فهرست منابع بوده است و از نمایه‌سازی و فهرست‌های متنوع دیگر، به‌ویژه فهرست اصطلاحات که در این کتاب بسیار ضروری به‌نظر می‌رسید، خبری نیست. در این کتاب از ابزارهای و مؤلفه‌های دیگر از قبیل تمرین، آزمون، جدول، تصویر، و نمودار نیز استفاده شده است که قطعاً در تفهیم بهتر مفاهیم مفید است. البته همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد به‌نظر می‌رسد نویسنده در استفاده از نمودارها، آمارها، و جدول‌ها در فصل‌های ششم و هفتم زیاده‌روی کرده است که به‌دلیل کاربرد اندک و ابهام و غموض در محتوا و ماهیت بسیاری از این نمودارها و جدول‌ها باعث وقفه و آشفتگی در سیر مطالب شد.

۵.۲.۳ استنادات و ارجاعات

آخرین نکته در بیان نکات ضعف شکلی عدم دقت لازم در استنادات و رعایت اصول ارجاع‌دهی است. اولین نقص عجیب در این خصوص این است که، علاوه‌بر فهرست یازده‌صفحه‌ای منابع که در پایان کتاب (علیان ۲۰۰۱: ۳۳۳-۴۳۴) با عنوان «قائمة بيبولوجرافية بالكتب العربية» آمده است، دو فهرست منابع در پایان فصل‌های چهارم (همان: ۱۵۲، ۱۵۳) و ششم (همان: ۲۴۰) آمده است. عجیب این‌که برخی از منابع ذکرشده در فصل چهارم در فهرست منابع آخر فصل آمده است و برخی دیگر در فهرست منابع پایان کتاب. قطعاً این‌گونه آشفتگی با هیچ روشی قابل توجیه و اغماض نیست.

علاوه‌برآن، نویسنده محترم در پاورقی کتاب به نوزده منبع به زبان انگلیسی ارجاع داده است، ولی هیچ‌کدام از این منابع انگلیسی در کتاب‌نامه ذکر نشده است. به‌نظر می‌رسد این خطای آشکار ناشی از اقتباس و نقل باواسطه باشد؛ یعنی نویسنده محترم مطالب یادشده از

منابع انگلیسی را با واسطه از روی منابع عربی ذکر شده در کتاب‌نامه نقل کرده است. و بلافاصله در پاورقی همان صفحه به منبع انگلیسی ذکر شده در پاورقی منبع عربی واسطه‌ای اشاره کرده است، اما در کتاب‌نامه این منابع انگلیسی را نیاورده است که این خطای دیگری در ارجاع‌دهی است؛ چراکه در نقل باواسطه، پس از ذکر منبع اولیه انگلیسی، باید منبع عربی که مطلب موردنظر مستقیماً از آن گرفته شده است نیز ذکر شود.

فقدان وحدت‌رویه در تنظیم پاورقی‌ها نیز نقص دیگری در زمینه ارجاع‌دهی است؛ چراکه گاهی شماره ارجاع در ابتدای اقتباسات آمده است و گاهی در پایان اقتباس (همان: ۱۴، ۱۵) و عجیب این‌که گاهی شماره ارجاع برای یک اقتباس دو بار آمده است؛ یک بار در ابتدای متن اقتباس شده است و یک بار هم در پایان متن (همان: ۳۷).

نکته دیگر در این زمینه این‌که چگونگی تدوین منابع و تنظیم کتاب‌نامه است. اسامی نویسندگان در کتاب‌نامه در یک سطر مستقل آمده و عنوان کتاب و دیگر معلومات کتاب‌شناسی پس از آن در زیر نام نویسندگان در سطر بعدی آمده است که به نظر حقیر چنین سبک تنظیم کتاب‌نامه چندان رایج نیست. هیچ‌یک از عناوین کتاب‌ها برجسته و متمایز نشده است. یعنی نه سیاه (Bold) شده و نه با حروف مایل (Italic) نوشته شده و نه خطی زیر آن کشیده شده است. مکان چاپ و نوبت چاپ در برخی منابع ذکر نشده است. تعداد صفحات در بسیاری از منابع ذکر شده است که نکته مثبتی است. ولی همین نکته مثبت برای برخی از منابع ذکر نشده است. این نواقص گرچه شکلی و کم‌اهمیت و قابل اغماض‌اند، تکرار فراوان آن در سراسر کتاب نشانه کم‌دقتی و عدم توجه و اهتمام نویسنده است که از یک نقص بزرگ به نام بی‌نظمی و آشفتگی حکایت می‌کند.

آنچه تاکنون در این مبحث گفته شد نمونه‌هایی از نواقصی بود که در بررسی شکلی کتاب حاضر یافت شد. و امید است این نواقص که غالباً ناشی از خطاهای تایپی یا لغوی و تعبیری یا خطاهایی ناشی از عدم توجه به معیارهای روش تحقیق است در چاپ‌های بعدی کتاب برطرف شود.

۴. ارزیابی محتوایی

از آنجایی که بررسی محتوایی هر اثری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، لذا برخلاف مبحث اول که در یک نگاه کلی به دو بخش نکات قوت و ضعف تقسیم شده بود، بررسی

محتوایی کتاب حاضر را به پنج بخش تقسیم کردیم و برای هر بخش عنوانی که متناسب با مضمون و محتوای آن است برگزیدیم. این پنج بخش عبارت‌اند از:

۱. انتخاب موضوع و تنظیم عنوان؛

۲. فصل‌بندی و تنظیم عناوین داخلی باب‌ها و فصل‌ها؛

۳. جایگاه منابع و مراجع استنادی؛

۴. کیفیت تجزیه و تحلیل و نقد داده‌ها و معلومات؛

۵. میزان نوآوری و تولید علم.

باید دانست که علت انتخاب این بخش‌ها در بررسی محتوایی هر اثر آن است که تقسیم هر مبحث به نکات قوت و ضعف نشانه سطحی و کلیشه‌ای بودن عناوین انتخاب‌شده است. لذا در بررسی شکلی که نوعی بررسی ظاهری و سطحی است از عناوین کلی و کلیشه‌ای استفاده کردیم، اما در بررسی محتوایی بهتر دیدیم که، با توجه به مباحث و معیارهای پنج‌گانه در بررسی محتوایی، هر معیار را در بخش مستقل و تحت عنوان متناسب با آن معیار بررسی کنیم. بدون شک، این سخن بدان معنی نیست که ما در بررسی محتوایی به نکات قوت و ضعف نمی‌پردازیم، بلکه برعکس در هریک از این بخش‌های پنج‌گانه ابتدا به نکات قوت و سپس به نکات ضعف اشاره می‌کنیم.

۱.۴ انتخاب موضوع و تنظیم عنوان

آنچه به عنوان اولین و شاید مهم‌ترین معیار ارزش‌گذاری آثار علمی و تألیفات دانشگاهی مورد تأکید صاحب‌نظران عرصه تحقیق و تألیفات علمی و دانشگاهی است انتخاب موضوع و تنظیم عنوان مناسب برای آن است. باید دانست که دانشمندان و محققان، با توجه به نوع و حجم تحقیق، چند ویژگی یا به عبارت دیگر چند معیار را برای انتخاب موضوع و تنظیم عنوان مناسب برای آن بیان کردند (ضیف ۱۹۷۲: ۱۸-۲۰؛ شلیبی ۱۹۷۴: ۸-۹؛ سنو ۲۰۰۱؛ مشکین‌فام ۱۳۸۶: ۲۰-۲۱؛ صابری ۱۳۸۴: ۲۱-۲۲؛ نادری و سیف‌نراقی ۱۳۷۲: ۵۱، ۲۰۱).

اینک ما ضمن اشاره به مشهورترین این معیارها نکته نظرات خود را در مورد میزان پای‌بندی نویسنده محترم کتاب به این معیارها به تفصیل بیان می‌کنیم.

۱.۱.۴ جدید و نو بودن موضوع

باید گفت که متأسفانه موضوع کتاب حاضر جدید و بکر نیست؛ چراکه نویسنده در فهرست منابع بیش از صد کتاب را به عنوان منبع مورد استفاده خود ذکر کرد که تمامی

آن‌ها در مورد روش تحقیق بوده است. علاوه بر آن، کتاب‌های متعدد و بی‌شمار دیگری در زمینه روش تحقیق نگاشته شده است که مورد استفاده نویسندگان در این کتاب نبوده، لذا در فهرست منابع نیامده است. کتاب‌هایی مانند: *البحث الأدبی تألیف شوقی ضیف*؛ کتاب *کیف تکتب بحثاً أو رسالة تألیف أحد شلبي*؛ *أساسيات البحث العلمی و التحلیل الإحصائی* تألیف عبدالحمید البلداوری؛ *التفکیر و البحث العلمی* تألیف محمد بکر نوفل و فریاد أبو عواد؛ *تحلیل المحتوى فی العلوم الإنسانیة* تألیف رشدی أحمد طعیمه؛ *خطوات البحث العلمی، من تحدید المشکلة إلى تفسیر النتيجة* تألیف عقیل حسین عقیل؛ *کیف تعدّ رسالة دکتوراه؛ تقنیات و طرائق البحث و الدراسة و الكتابة* تألیف أومبرتو آیکو و ترجمه علی منوفی؛ *منهج البحث العلمی و كتابة الرسائل* تألیف موفق بن عبدالله بن عبدالقادر.

شکی نیست که این کتاب‌های روش تحقیق که خود نویسندگان به آن‌ها اشاره کرده است و کتاب‌های روش تحقیق که ما در این جا ذکر کردیم، همه کتاب‌های روش تحقیق نیست که در کشورهای عربی چاپ شده است، بلکه قطعاً کتاب‌های روش تحقیق فراوان دیگری وجود دارد که در کشورهای مختلف عربی چاپ شده است و نه بنده و نه نویسنده محترم از آن‌ها اطلاعی نداریم.

اینک سؤال اساسی این است که، باتوجه به وجود آثاری که قطعاً بهتر و عمیق‌تر در زمینه روش تحقیق نوشته شده و به راحتی هم در دست‌رس علاقه‌مندان است و باتوجه به این‌که این کتاب بیش‌تر گردآوری از منابع متعدد به زبان عربی بوده و نویسنده محترم هیچ‌گونه ابتکار و نوآوری یا رویکرد جدیدی در این کتاب ارائه نکرده است، چه ضرورتی برای انتشار این کتاب وجود داشته است؟

۲.۱.۴ مفید بودن

شکی نیست که جدید بودن و مفید بودن هر مطلب و موضوعی نزد هر خواننده‌ای بنابر وسعت و محدوده معلومات و اطلاعات وی متفاوت است. به عنوان مثال، موضوعی که برای برخی از پژوهش‌گران جوان و کم‌تجربه جدید و مفید محسوب می‌شود، ممکن است برای استادان با سابقه تکراری و بی‌فایده باشد. هم‌چنین آنچه برای استادی تکراری و کم‌فایده محسوب می‌شود، ممکن است برای دانشجویان کارشناسی ارشد جدید و مفید باشد. لذا به ناچار باید اعتراف کنیم که تعیین دقیق مصادیق و موضوعات جدید و مفید کار ساده و آسانی نیست.

اینک، باتوجه به مطالب فوق و مطالبی که در بند قبل درباره تکراری بودن موضوع کتاب ذکر شد، باید گفت که اثر حاضر به دلیل تکراری بودن و جمع آوری مطالب از منابع دیگر نمی تواند برای پژوهش گران این رشته مفید باشد.

۳.۱.۴ محدود و محصور بودن موضوع

لازم است یادآوری شود که محدود و محصور بودن یا به عبارتی جزئی بودن موضوع هر پژوهش، باتوجه به نوع و هدف آن، مورد بررسی قرار می گیرد. به عنوان مثال، مفهوم موضوع محدود در رساله دکتری با مفهوم آن در پایان نامه کارشناسی ارشد یا در یک مقاله پژوهشی در مجلات علمی متفاوت است.

با این توضیح مختصر در این زمینه، باید گفت که موضوع کتاب حاضر تا حدود زیادی محدود است و از این بابت کتاب حاضر قابل قبول است.

۴.۱.۴ داشتن عنوان واضح و جذاب و حتی المقدور مختصر

باید گفت که عنوان کتاب حاضر کاملاً واضح و جذاب و، به دلیل دربرداشتن تمامی مباحث و موضوعات بابها و فصلهای متعدد کتاب، خوب و قابل قبول است. اما درخصوص مختصر بودن عنوان باید گفت که کلمه «أسالیبه» در عنوان زائد است؛ چراکه کلمه «مناهجه» که قبل از آن آمده است ما را از آوردن این کلمه مترادف بی نیاز می کند.

۲.۴ فصل بندی و تنظیم بابها و فصلها و عناوین داخلی

انتخاب مباحث فرعی و تنظیم عنوانهای داخلی در هر اثر علمی و دانشگاهی یکی از مهم ترین معیارها در ارزیابی تسلط و اشراف همه جانبه نویسنده بر عناصر و جوانب موضوع است و عبارت است از انتخاب و تعیین راههایی که پژوهش گر آن را در ذهن خود ترسیم کند تا از طریق آن به هدف مورد نظر در تحقیق خود دست یابد (نادری و سیف نراقی ۱۳۷۲: ۲۰۱؛ شلیبی ۱۹۷۴: ۳۳).

باید دانست موضوع هر پژوهش عناصر و قضایای مخصوص به خود دارد که با آثار و موضوعات دیگر متفاوت است، لذا پژوهش گر باید آن عناصر و اندیشهها را استخراج کند و با کنارهم قراردادن منطقی آنها مباحث و عنوانهای فرعی مقاله را تنظیم کند. بدین ترتیب که عنصر اصلی و مسئله اساسی را عنوان مقاله و عناصر فرعی و ثانویه را به عنوان مباحث و عناوین فرعی مقاله قرار می دهد (صابری ۱۳۸۴: ۲۳؛ شلیبی ۱۹۷۴: ۳۵).

۱.۲.۴ انسجام فصل‌ها و نظم منطقی عناوین اصلی کتاب

نویسنده محترم تلاش کرده است تا در این کتاب انسجام مطالب و تسلسل منطقی و تنظیم فصل‌ها را حفظ کند و در این جهت تا حدودی موفق بوده است. با این حال، کتاب حاضر تنظیم فصل‌ها دارای نواقص فراوانی است. نویسنده اثر خود را به نُه فصل به ترتیب زیر تقسیم کرده است:

فصل اول: مفهوم و اهداف تحقیق علمی؛

فصل دوم: روش‌های تحقیق علمی؛

فصل سوم: مشکل و موضوع تحقیق و فرضیه‌ها؛

فصل چهارم: روش‌ها و ابزارهای جمع‌آوری معلومات؛

فصل پنجم: نمونه‌گیری؛

فصل ششم: آمارگیری؛

فصل هفتم: کتاب‌خانه‌ها؛

فصل هشتم: مستندسازی و ارجاع‌دهی؛

فصل نهم: نگارش گزارش تحقیق.

ملاحظه می‌شود که چهار فصل اول انسجام و تسلسل منطقی و قابل‌قبولی دارند، اما از فصل پنجم انسجام و سیر منطقی فصل‌ها به هم می‌خورد؛ چراکه به نظر می‌رسد فصل‌های هفتم و هشتم باید بلافاصله پس از فصل چهارم بیاید، زیرا شناسایی کتاب‌خانه‌ها و چگونگی استفاده از آن‌ها و همچنین اقتباس و ارجاع و مستندسازی که موضوع اصلی فصل‌های هفتم و هشتم هستند، زیرمجموعه جمع‌آوری منابع و معلومات در زمینه تحقیق بوده که لازمه آن مراجعه به کتاب‌خانه، اقتباس، ارجاع، و مستندسازی است.

البته همان‌طور که قبلاً اشاره شد، به نظر می‌رسد فصل‌های ششم و هفتم تفصیل زائد دارد و بهتر بود نویسنده محترم پس از مختصر کردن این دو فصل مطالب ضروری و مهم آن را به عنوان مباحثی از فصل چهارم قرار می‌داد. از سوی دیگر، فصل‌های پنجم و ششم هم که درباره نمونه‌گیری و بررسی آماری است، باید به عنوان ابزارهای تجزیه و تحلیل زیرمجموعه فصل کلی دیگری با عنوان تجزیه و تحلیل داده‌ها قرار می‌گرفت.

نکته مهم دیگر درباره انسجام و تسلسل منطقی فصل‌ها این است که نویسنده محترم در این اثر خود به موضوع بسیار مهم هر پژوهش، یعنی فصل‌بندی و چگونگی تنظیم محورهای پژوهش، که یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی و موفقیت یک پژوهش است

(نادری و سیف نراقی ۱۳۷۲: ۲۰۱؛ قراملکی ۱۳۸۵: ۳۴۷؛ خاکی ۱۳۸۶: ۳۰۸؛ دلاور ۱۳۸۵: ۳۷؛ خورشیدی و دیگران ۱۳۷۸: ۴۷۱)، نپرداخته است. این موضوع بسیار مهم، که در قالب کتاب‌های روش تحقیق به صورت یک فصل مستقل بررسی شده است، در این اثر مغفول مانده است. لذا به نظر می‌رسد نویسنده محترم باید پس از فصل دوم و سوم کتاب خود، که مربوط به انتخاب موضوع پژوهش، جست‌وجو و جمع‌آوری منابع، مطالعه، و فیش‌برداری داده‌ها و معلومات است، فصل مستقلی را به معیارهای فصل‌بندی پژوهش اختصاص می‌داد.^۱ البته نویسنده محترم در آخرین فصل کتاب خود، یعنی در صفحه ۳۱۹، در مبحث کوتاهی با عنوان «اعداد مخطط البحث» که کل مبحث به اندازه نصف صفحه است، به‌طور خیلی مختصر، اشاره‌ای گذرا به موضوع و اهمیت فصل‌بندی داشته است که هرگز نمی‌تواند حق مطلبی به این مهمی را به‌خوبی ادا کند.

۲.۲.۴ انسجام مطالب در درون فصل‌ها و نظم منطقی عناوین جزئی کتاب

رعایت نظم منطقی و انسجام مطالب اثر در درون فصل‌های این کتاب هم مانند نظم کلی و محورهای اصلی کتاب نواقص بارزی دارد. با بررسی دقیق کتاب در این زمینه شاهد برخی نواقص آزاردهنده‌ایم، که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

یکی از بزرگ‌ترین نواقصی که کتاب حاضر دارد، تکرار و بیان جزئیات زائد و تقسیم‌بندی‌های غیرضروری است. البته همان‌طور که در صفحات قبل اشاره شد، این نقص به شکل کلی‌تر در رعایت نظم و انسجام کلی اثر نیز وجود داشته است. به‌عنوان مثال، نویسنده محترم در مبحث «تصنیف مناهج و أسالیب البحث العلمي» که تنها سه صفحه کتاب را به خود اختصاص داده است (علیان ۲۰۰۱: ۳۶-۳۹) ابتدا شش نوع از روش‌های تحقیق را به‌نقل از مارگینز (Marguis) در شش بند ذکر کرده است. سپس بلافاصله و بدون هیچ‌گونه شرح و توضیحی درباره این روش‌های شش‌گانه یادشده به بیان انواع روش تحقیق از نظر وتی (Whitney) هفت نوع دیگر را در هفت بند نام برده است. سپس سه نوع از انواع روش تحقیق را از قول جابر عبدالحمید نام برده است. پس از آن، پنج نوع از انواع روش تحقیق را از قول گود و سکاتس (Good and Scates) نام برده است. و درنهایت، به‌نقل از برخی دیگر پژوهش‌گران (بدون ذکر نام آن‌ها)، نه روش از روش‌های تحقیق را نام برده است.

خلاصه این‌که نویسنده در این مبحث که به بیان انواع روش‌های تحقیق اختصاص یافته است، به‌نقل از پنج کتاب، انواع روش‌های تحقیق را در پنج محور متوالی ذکر کرده است که

بیش‌تر این روش‌ها تکراری و مشترک بوده است. به‌عنوان مثال، روش تحقیق تاریخی، روش تحقیق تجربی، و روش تحقیق وصفی در همه این پنج محور تکرار شده است. شکی نیست که نویسنده محترم باید به‌جای تکرار نام این روش‌ها در پنج پاراگراف متوالی تنها یک بار همه این روش‌ها را نام می‌برد و پس‌از آن به این پنج منبع ارجاع می‌داد و در پایان هم، به‌جای اکتفا به نقل‌قول، به شرح و توضیح این روش‌ها و بیان اختلاف‌نظر صاحب‌نظران در این زمینه می‌پرداخت.

به‌عنوان نمونه دیگر، بیان انواع منابع تحقیق در روش تاریخی در صفحه ۴۳ است که نویسنده محترم این‌گونه منابع را به شش قسمت تقسیم کرده است و عبارت‌اند از: ۱. السجلات و الوثائق، ۲. الآثار و الشواهد التاريخية، ۳. الدراسات التاريخية القيمة، ۴. شهود عیان، ۵. الزیارات الميدانية للمتاحف والآثار، ۶. المكتبات المختلفة و مراكز التوثيق.

با مشاهده دقیق این انواع که تنها در یازده سطر آمده و توضیحات مختصری که تنها برای سه بند اول ذکر شده است، به‌خوبی می‌توان دریافت که نویسنده محترم باز هم به تکرار و زیاده‌گویی دچار شده است. به‌عنوان مثال، بند ۳ و بند ۶ تکرار بند اول است؛ زیرا در ذیل بند اول تحت عنوان «السجلات و الوثائق» موارد متعددی از این نوع منابع در چهار سطر ذکر شده، از جمله الصحف و الكتب القديمة. درحالی‌که در بند ۳ نیز «الكتب و الدراسات التاريخية بأنواعها المختلفة» آمده است. علاوه‌بر آن، در بند ۶ نیز تحت عنوان «المكتبات المختلفة و مراكز التوثيق» به همین انواع اشاره دارد. هرچند که بند ۶ با عنوان «المكتبات» اساساً اشاره‌ای به انواع منابع ندارد، بلکه تنها محل جمع‌آوری منابع است. عجیب این‌که در ذکر انواع منابع مربوط به بند سوم «الوثائق و السجلات» آمده است که دقیقاً همان عنوان بند اول است.

نمونه دیگر از این‌گونه نقص‌ها در کتاب حاضر مطالب یادشده در صفحه ۱۱۱ و ۱۱۲ تحت عنوان «مزایا المقابلة» است که درباره مزایای مصاحبه به‌عنوان یکی از راه‌های جمع‌آوری معلومات است. نویسنده ابتدا در نُه بند به نُه مزیت مصاحبه اشاره کرده است. با دقت در محتوای این بندها درمی‌یابیم که بند هفتم تکرار بند دوم و بند نهم تکرار بند اول است. علاوه‌بر آن، نویسنده پس‌از آن گویا برای تکمیل مبحث مجدداً از زبان احمد الرفاعی مطالبی آورده و در هشت بند به ذکر مزایای مصاحبه پرداخته است که اکثر این بندهای هشت‌گانه تکرار همان مواردی است که در نُه بند قبل آمده است.

از این نمونه‌ها که بیان‌گر کم‌دقتی و عدم بازنگری نویسنده محترم کتاب است، در سراسر این کتاب بسیار زیاد است که ذکر همه این موارد در این مختصر نمی‌گنجد و ما

در این جا برای اجتناب از زیاده‌گویی تنها به ذکر شماره صفحات در پاورقی اکتفا می‌کنیم.^۲ شکی نیست که تکرارهای مطالب مشابه و اقتباسات و نقل قول‌های پی‌درپی و آشفته و درهم‌وبرهم بیان‌گر فقدان رویکرد علمی دقیق است و تنها به هدف افزایش حجم کتاب آمده است.

۳.۲.۴ فقدان توازن در حجم فصل‌ها

آخرین نکته‌ای که در زمینه فصل‌بندی و تنظیم مباحث فرعی این کتاب باید به آن اشاره کرد، فقدان توازن در حجم فصل‌های آن است. هرچند، باتوجه به موضوع و محتوای فصل‌ها، این اختلاف در حجم فصل‌ها تا حدودی قابل توجیه است، با این حال وجود فصل پنجم با هفده صفحه، بین فصل‌های چهارم و ششم که به ترتیب دارای هفتاد و شصت صفحه‌اند، قابل دفاع نیست و از آنجایی که بیان‌گر عدم رعایت رعایت انسجام و تنظیم منطقی فصل‌هاست، نقص کتاب به‌شمار می‌آید. البته ممکن است در ظاهر این مورد به بررسی شکلی مربوط شود، اما از آنجایی که فقدان توازن در حجم فصل‌ها ناشی از تنظیم نادرست در محتوای فصل‌ها و مباحث آن است، لذا ترجیح دادیم به این مورد در مبحث بررسی محتوایی اشاره کنیم.

۳.۴ جایگاه منابع و مراجع استنادی و اقتباسات و ارجاعات

کم‌تر پژوهش‌گری می‌تواند ادعا کند که آن‌چه نوشته است، تنها زائیده اندیشه خود اوست؛ چراکه نویسندگان غالباً معلومات موردنیاز خود را از طریق مطالعه منابع که نتیجه و ثمره تلاش‌های گذشتگان است به‌دست می‌آورند. سپس، آن‌ها را به‌عنوان مواد خام اولیه موردبررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند تا به نتایج جدیدی دست یابند. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌هایی که نویسندگان آثار علمی پس از انتخاب موضوع انجام می‌دهند، جست‌وجو در منابع و مراجع مختلف به‌منظور جمع‌آوری معلومات لازم در زمینه موضوع است (دلاور ۱۳۸۵: ۳۷، ۳۸؛ قراملکی ۱۳۸۵: ۹۶) تا براساس اطلاعات و معلومات به‌دست‌آمده به تجزیه و تحلیل، نقد، و درنهایت استنتاج و نوآوری بپردازند. شکی نیست که هراندازه این جست‌وجو وسیع‌تر و دقیق‌تر باشد، ارزش و اعتبار علمی اثر بیش‌تر خواهد بود (زرین‌کوب ۱۳۵۶: ۱۳).

ازسوی دیگر، تمامی منابع و مصادری که پژوهش‌گر برای کسب معلومات درباره موضوع خود به آن‌ها مراجعه می‌کند، ارزش و اعتبار یکسانی ندارد؛ چراکه از نظر میزان

ارتباط با موضوع یا از نظر جایگاه و اعتبار نویسنده با هم متفاوت است. لذا برخی از صاحب‌نظران منابع مورد استفاده در هر تحقیق را به منابع اولیه و اساسی و منابع ثانویه و جانبی تقسیم کرده و گروه اول را مصادر و گروه دوم را مراجع نامیده‌اند (ضیف ۲۰۰۱: ۲۳۷). اینک ما براساس آن چه تاکنون در این زمینه ذکر شد، منابع و مراجع استنادی کتاب حاضر را در بندهای ذیل مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱.۳.۴ تعداد منابع

تعداد منابع مورد استفاده در این اثر قابل قبول است. فهرست منابع آخر کتاب بیان‌گر آن است که نویسنده به بیش از صد منبع مراجعه کرده است که بیان‌گر تلاش و اهتمام نویسنده به منابع تحقیق و جست‌وجوی وسیع است. تعداد زیاد منابع مورد استفاده در این کتاب به این معنی است که نویسنده محترم، علاوه بر استفاده از منابع عمومی روش تحقیق، از کتاب‌ها و پژوهش‌های اختصاصی موجود در زمینه روش تحقیق در حوزه‌های جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و رفتاری، روان‌شناسی، جغرافیا، سیاست، اقتصاد و آمار، علم‌سنجی، و کتاب‌داری استفاده کرده است.

هرچند تعداد کم یا زیاد منابع به‌تنهایی نمی‌تواند معیار علمی خوبی برای ارزیابی و سنجش منابع یک تحقیق باشد، از آنجایی که این حجم از منابع متعدد و متنوع بیان‌گر دقت و اهتمام نویسنده به منابع تحقیق و جست‌وجوی وسیع و همه‌جانبه‌وی درباره موضوع خود است، لذا می‌تواند تا حدودی بیان‌گر اهتمام و جدیت نویسنده و از مزایای این کتاب باشد.

شاید بتوان گفت، تنها نقص کتاب در این زمینه عدم استفاده نویسنده از منابع روش تحقیق در ادبیات است، به طوری که نویسنده محترم تنها از یک کتاب روش تحقیق در ادبیات با عنوان *منهج البحث الأدبی*، تألیف علی جواد الطاهر، استفاده کرده است که این نقص ناشی از رویکرد تربیتی و آماری نویسنده است.

۲.۳.۴ تنوع منابع

از سوی دیگر، علاوه بر تعداد فراوان، منابع مورد استناد در این کتاب تنوع کافی دارد و نویسنده محترم از منابع متنوع روش تحقیق در حد و سیعی استفاده کرده است. تنوع منابع تحقیق بدین معنی است که نویسنده، علاوه بر استفاده از منابع عمومی روش تحقیق، از کتاب‌ها و پژوهش‌های اختصاصی پیرامون روش تحقیق در حوزه‌های متعدد جامعه‌شناسی،

علوم تربیتی و رفتاری، روان‌شناسی، جغرافیا، سیاست، اقتصاد و آمار، علم‌سنجی، و کتاب‌داری استفاده کرده است و همان‌طور که در بند قبل اشاره شد همین امر باعث افزایش تعداد منابع و مزیت این کتاب شده است.

بزرگ‌ترین نقصی که در این زمینه باید به آن اشاره شود این است که نویسنده، علی‌رغم استفاده از منابع متعدد و متنوع، متأسفانه به دلیل اکتفا به نقل و اقتباسات پی‌درپی نتوانسته است به‌نحو شایسته از این منابع استفاده بهینه کند و به تجزیه و تحلیل خود عمق بخشد تا به نوع‌آوری ختم شود.

۳.۳.۴ جایگاه و اعتبار منابع

در زمینه جایگاه و اعتبار منابع هم باید اذعان کرد که اکثر قریب به اتفاق منابع و مراجع این کتاب ارزش و اعتبار قابل‌قبولی دارند؛ چراکه استفاده نویسنده از آثار به‌روز و جدید و متنوع به افزایش جایگاه و اعتبار منابع این کتاب منجر شده است.

۴.۳.۴ فقدان منابع به زبان‌های خارجی

مهم‌ترین نقص آشکاری که در این زمینه قابل‌ذکر است، این است که منابع مورد استفاده در این کتاب تنها به زبان عربی بوده و نویسنده از هیچ کتاب و منبعی به زبان‌های دیگر از جمله انگلیسی، فرانسوی، و فارسی استفاده نکرده است. البته، نویسنده محترم در پاورقی صفحات ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۲، ۳۸، ۶۱، ۷۵، ۷۷، ۱۲۵، ۲۷۲ جمعاً به نوزده منبع به زبان انگلیسی ارجاع داده است، ولی هیچ‌کدام از این منابع انگلیسی یادشده در فهرست منابع یا همان کتاب‌نامه ذکر نشده است. لذا باید گفت که فقدان منابع به زبان‌های غیرعربی در این اثر مشهود است.

۵.۳.۴ میزان دقت در استنادات و ارجاعات

میزان دقت نویسنده در استنادات و رعایت اصول ارجاع‌دهی بسیار ضعیف است. همان‌طور که در این مقاله آمده است اولین نقص در این خصوص تکرار ثبت منابع پایان کتاب در پایان دو فصل چهارم و ششم است. علاوه بر آن، همان‌طور که در بند قبل اشاره شد، نویسنده محترم در پاورقی کتاب به نوزده منبع انگلیسی ارجاع داده است، ولی هیچ‌کدام از این منابع انگلیسی یادشده در کتاب‌نامه ذکر نشده است. به‌نظر می‌رسد این خطای آشکار ناشی از اقتباس و نقل با واسطه باشد؛ یعنی نویسنده محترم مطالب آمده

از منابع انگلیسی را با واسطه از روی منابع دیگر نقل کرده است، که این خطای دیگری در ارجاع‌دهی است؛ چراکه در نقل باواسطه، پس از ذکر منبع اولیه انگلیسی، باید منبع عربی که مطلب موردنظر مستقیماً از آن گرفته شده است نیز ذکر شود. نکته دیگر در این زمینه تدوین ناقص منابع و تنظیم کتاب‌نامه است که در صفحات پیشین به تفصیل ذکر شد. اسامی نویسندگان در کتاب‌نامه در یک سطر مستقل آمده و هیچ‌یک از عناوین کتاب‌ها هم برجسته و متمایز نشده است.

این نواقص گرچه شکلی و کم‌اهمیت و قابل‌اغماض‌اند، از آن‌جایی که نشانه کم‌دقتی و عدم توجه و اهتمام نویسنده است و متأسفانه در سراسر این کتاب مشاهده می‌شود، خودبه‌خود به یک نقص بزرگ به نام بی‌نظمی و آشفتگی تبدیل می‌شود.

نکته عجیب در این زمینه این است که در سراسر فصل ششم کتاب با عنوان «الإحصاء فی البحث العلمی» که شصت صفحه است (بنگرید به علیان ۲۰۰۰: ۱۷۹-۲۳۹) است هیچ‌گونه اقتباس و ارجاعی در پاورقی‌ها نیامده است و تنها در پایان فصل، یعنی در صفحه ۲۴۰، پنج منبع تحت عنوان «مصادر الفصل السادس» ذکر شده است. قبل از آن این عبارت آمده است: «اعتمد فصل: الإحصاء فی البحث العلمی بشکل رئیسی علی المصادر التالیة» (یعنی این فصل به‌طور کلی براساس منابع زیر نوشته شده است). شکی نیست که این‌گونه ارجاعات، علاوه‌براین که با اصول پژوهش علمی مطابقت ندارد و نشانه بارز عدم رعایت اخلاق پژوهش و فقدان امانت‌داری در اقتباسات و ارجاعات است، هرگز از نویسنده‌ای که می‌خواهد با نوشتن کتاب روش تحقیق دقت و مهارت در پژوهش و نگارش یک اثر علمی را به خوانندگان منتقل کند پذیرفته نخواهد بود. این‌گونه نقص‌های آشکار و تفاوت بین فصل‌های کتاب در ارجاعات سوءظن خواننده را مبنی‌براین که این کتاب دارای چند نویسنده است و احتمالاً از کنارهم گذاشتن تحقیقات کلاسی دانشجویان تهیه شده است، تقویت می‌کند.

۴.۴ کیفیت تجزیه و تحلیل و نقد داده‌ها و معلومات

قبلاً اشاره شد که نویسنده محترم در این اثر اصلاً به‌دنبال تجزیه و تحلیل و نقد نبوده است، بلکه بیش‌تر به‌دنبال تدوین و گردآوری مطالب در زمینه روش تحقیق بوده و اصلاً زحمت تجزیه و تحلیل و نقد را به خود نداده است، لذا هرگز در این کتاب تجزیه و تحلیل، نقد، و نوآوری قابل‌قبول مشاهده نمی‌شود.

شاید بتوان گفت که برجسته‌ترین نماد ضعف تجزیه و تحلیل و نقد در این کتاب فقدان مقدمه و خاتمه است؛ چراکه میزان تجزیه و تحلیل، نقد، و نوآوری در هر پژوهش از مقدمه و خاتمه علمی روش مند و دقیق قابل شناسایی و اندازه‌گیری است (عسکری ۱۳۹۳: ۱۱۴)؛ چراکه هر نویسنده در مقدمه علمی و روش مند، علاوه بر بیان مسئله و ضرورت و فایده پژوهش و پیشینه موضوع فرق آن با تحقیق خود، به سؤالات و فرضیات و روش مخصوص خود نیز اشاره می‌کند که پاسخ‌دادن علمی دقیق به سؤالات مدنظر نویسنده در خاتمه و نتیجه‌گیری قطعاً به نوآوری و تولید علم منجر می‌شود.

با این توضیحات، باید گفت که کتاب حاضر اصلاً خاتمه ندارد و این بهترین دلیل است بر این که اصلاً تجزیه و تحلیل، نقد، و نوآوری ندارد. علاوه بر آن، مقدمه کوتاه نویسنده هم علمی و روش مند نیست؛ یعنی از عناصر شش‌گانه یک مقدمه روش مند تنها بیان مسئله، اهمیت موضوع، و محورهای بحث را در خود جای داده است و اثری از پیشینه تحقیق و سؤالات و فرضیه‌ها و روش تحقیق نیست و این نقص‌های آشکار، که ناشی از فقدان یا ضعف تجربه در زمینه روش تحقیق است، از نویسنده کتاب روش تحقیق که لازمه‌اش داشتن تسلط و مهارت عملی نویسنده در روش تحقیق است، هرگز پذیرفتنی و قابل اغماض نیست.

به‌عنوان نمونه‌هایی از ضعف تجزیه و تحلیل و فقدان نقد علمی باید به صفحه ۳۶ اشاره کرد. نویسنده در مبحثی سه‌صفحه‌ای، تحت عنوان «تصنیف مناهج و أسالیب البحث العلمي»، به پنج تقسیم‌بندی و نام‌گذاری روش‌های تحقیق اشاره کرده است که همه این تقسیم‌بندی‌ها نقل نظرات دیگران و اقتباس بوده است و نویسنده متأسفانه هیچ‌گونه اظهارنظری در خصوص تمایز و برتری یا تشابه و تفاوت بین آن‌ها نکرده است. شبیه این نقص در صفحات ۱۰۶ و ۳۲۸ نیز مشاهده می‌شود.

نمونه دیگر در این زمینه را می‌توان در صفحه ۴۲ مشاهده کرد. در این صفحه مبحثی با عنوان «خطوات المنهج التاريخی» با چهار عنوان فرعی آمده است. نویسنده در ابتدای این مبحث گفته است که گام‌ها و مراحل انجام پژوهش تاریخی شامل موارد زیر است و بلافاصله به کتاب *مناهج البحث فی التریة و علم النفس*، اثر فان دالین، ارجاع داده است. این ارجاعات بیان‌گر آن است که نویسنده کل این مبحث پنج‌صفحه‌ای را به صورت غیرمستقیم از کتاب یادشده اقتباس کرده است که هرگز با اصول ارجاع‌دهی هم‌خوانی ندارد؛ چراکه علاوه بر تداخل و خلط بین متن اقتباس‌شده و سخن نویسنده نشانه اکتفای به نقل بدون نقد است. شبیه همین نقص در صفحات ۵۹ و ۷۵ نیز مشاهده می‌شود.

نکته آخر و درعین حال مهم‌تر این که، علاوه بر فقدان تجزیه و تحلیل و نقد در اکثر مباحث کتاب، نظراتی هم که گاهی ظاهراً از طرف نویسنده بیان شده اشتباه است. به عنوان مثال، نویسنده محترم در صفحه ۳۲۰ قسمت‌های پایان‌نامه را به پنج قسمت به شرح زیر تقسیم کرده است:

۱. الصفحات التمهيدية و تشمل صفحة العنوان، صفحة الإهداء، صفحة الشكر، قائمة المحتويات^۳ و ...؛
۲. المستخلص باللغة العربية و الإنجليزية^۴؛
۳. فصول الرسالة و غالباً تتكوّن من خمسة فصول، هي خلفية الدراسة و أهميتها، مسح الدراسات السابقة، طريقة الدراسة و إجراءاتها، مناقشة النتائج و التوصيات؛
۴. قائمة المصادر و المراجع (العربية و الإنجليزية)؛
۵. الملاحق (إن و جدت).

مطابق موارد یادشده در بند ۳، ملاحظه می‌شود که نویسنده محترم قسمت‌های اصلی هر پایان‌نامه را به پنج فصل تقسیم کرده است که عبارت‌اند از «خلفية الدراسة و أهميتها، مسح الدراسات السابقة، طريقة الدراسة و إجراءاتها، مناقشة النتائج و التوصيات» (یعنی: پیشینه موضوع و اهمیت آن، بررسی و مرور پژوهش‌های گذشته، روش تحقیق و اجرای آن، تجزیه و تحلیل نتایج و پیشنهادهای).

درخصوص این تقسیم‌بندی نویسنده محترم موارد زیر گفتنی است:

اولاً: نویسنده برای تمایز این پنج بخش به جای استفاده از اعداد از ویرگول و درنهایت از حرف واو استفاده کرده است. لذا پنج بخش موردنظر نویسنده به وضوح مشخص نیست؛ چراکه به نظر می‌رسد نویسنده پیشینه موضوع و اهمیت آن را در یک بخش قرار داده است. بر همین اساس، معلوم نیست که آیا نویسنده نتایج و پیشنهادهای را در یک بخش قرار داده است یا در دو بخش؟ به نظر می‌رسد، منظور نویسنده این‌گونه بوده است: ۱. خلفية الدراسة، ۲. أهميتها، ۳. مسح الدراسات السابقة، ۴. طريقة الدراسة و إجراءاتها، ۵. النتائج و التوصيات.

ثانیاً: عبارت‌های «خلفية الدراسة و مسح الدراسات السابقة» در بخش‌های اول و دوم هر دو بر یک موضوع دلالت دارند و شامل بررسی پیشینه تحقیق‌اند.

ثالثاً: مهم‌تر از همه این که هیچ‌یک از بخش‌های یادشده در این بند جزء فصل‌های پایان‌نامه نیستند؛ زیرا پیشینه تحقیق و اهمیت آن و روش انجام تحقیق بخش‌های

تحلیل انتقادی کتاب: *البحث العلمي؛ أسسه، مناهجه و أساسیة، إجراءاته ...* (صادق عسکری) ۲۹۵

تشکیل دهنده مقدمه پایان نامه‌اند. از سوی دیگر، نتایج تحقیق و پیش‌نهادها هم جزء خاتمه پایان نامه است. شبیه این خطاها در نظرات نویسنده که قطعاً از سطحی‌نگری و شتاب‌زدگی نشئت می‌گیرد در صفحات ۵۶، ۱۲۵، ۱۳۴، ۳۰۰، ۳۰۴، و... به وضوح مشاهده می‌شود.

۵.۴ میزان نوآوری و تولید علم

باید گفت که گویاترین شاخص برای سنجش میزان نوآوری و تولید علم در هر اثر علمی مقدمه و خاتمه آن اثر است؛ زیرا نویسندگان غالباً در مقدمه پرسش‌های اصلی را که در ذهن خود داشته‌اند مطرح می‌کنند و پس از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل و نقد معلومات به دست آمده سرانجام در خاتمه کتاب به نتایج به دست آمده اشاره می‌کنند؛ نتایجی که غالباً پاسخ همان سؤالاتی است که در مقدمه مطرح شده بود (ابوسلیمان ۱۳۸۷: ۱۳۷؛ خاکی ۱۳۸۶: ۵؛ خورشیدی و دیگران ۱۳۷۸: ۸۳؛ دلاور ۱۳۸۵: ۳۳۰).

بر این اساس، به نظر می‌رسد که نویسنده محترم در این اثر اصلاً به دنبال تجزیه و تحلیل و نقد نبوده است، بلکه بیش‌تر به دنبال جمع‌آوری معلوماتی در زمینه روش تحقیق بوده است. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد جهت‌گیری نویسنده در این کتاب بیش‌تر آموزشی و تعلیمی است، نه پژوهشی و تحلیلی، لذا نمی‌توان از این گونه آثار انتظار نوآوری داشت.

خلاصه سخن این که تمرکز نویسنده محترم بر جمع‌آوری و گردآوری معلومات که گاهی بسیار بدیهی و پیش‌یافتاده است، مانند تفصیل طولانی در شانزده صفحه پیرامون نمونه‌گیری در فصل پنجم، جدول‌ها و نمودارهای آماری در فصل ششم، چگونگی و مراحل اداری مراجعه و استفاده از کتاب‌خانه‌ها در فصل هفتم، و چگونگی استفاده از خدمات اینترنت، و مهم‌تر از همه اضافه کردن سؤالات و تمرینات در انتهای همه فصل‌ها، همه و همه بیان‌گر آن است که این کتاب آموزشی و مدرسه‌ای است، نه پژوهشی و دانشگاهی.

۵. نتیجه‌گیری

از آنچه تاکنون در نقد و بررسی کتاب *البحث العلمي؛ أسسه، مناهجه و أساسیة، إجراءاته*، اثر ربیحی مصطفی علیان، گفته شد، نتیجه گرفته می‌شود که کتاب حاضر، با وجود برخی نکات قوت، دارای نواقص فراوانی در عرصه‌های شکل و محتواست.

از جمله مزایای شکلی کتاب حاضر انتخاب قلم مناسب با زبان عربی، دقت، و مهارت در حروف چینی و صفحه‌آرایی است، به طوری که کلمات، سطرها، و صفحات برای خواننده چشم‌نواز است و مطالعه را تاحدودی برای وی آسان می‌کند. علاوه بر آن، به نظر می‌رسد که نویسنده در اجتناب از غلط‌های تایپی و املائی تلاش قابل قبولی کرده است؛ اما مهم‌ترین نواقص شکلی این کتاب عبارت‌اند از: رعایت نکردن دقیق قواعد عمومی نگارش و دستور زبان و ویرایش تخصصی نشدن، کاربرد برخی واژه‌ها و اصطلاحات مبهم و نامأنوس، خطاهای لغوی ناشی از رعایت نکردن قواعد صرف و نحو، فقدان مقدمه روش‌مند در آغاز کتاب و فصل‌ها، و فقدان خاتمه در پایان کتاب و هم‌چنین خاتمه برای تمامی فصل‌ها، آشفتگی در تدوین منابع و تنظیم کتاب‌نامه، عدم دقت لازم در استنادات و اصول ارجاع‌دهی، فقدان وحدت رویه در تنظیم پاورقی‌ها.

از سوی دیگر، بررسی محتوایی نشان می‌دهد که مهم‌ترین مزیت این کتاب در زمینه محتوا، انتخاب عنوان قابل قبول و استفاده از منابع متعدد، متنوع، و معتبر است. مهم‌ترین نواقص محتوایی موجود در این کتاب عبارت‌اند از: تکراری بودن موضوع، آشفتگی و نواقص فراوان در فصل‌بندی تنظیم مباحث، بررسی سطحی و شتاب‌زده، اقتباسات متوالی و تکیه بر تدوین و جمع‌آوری ناشی از رویکرد آموزشی، و در نتیجه فقدان تحلیل، نقد، استنتاج، و نوآوری در غالب مباحث.

پی‌نوشت‌ها

۱. گفتنی است که فصل‌بندی و تعیین محورهای یک تحقیق در دو مرحله انجام می‌شود؛ مرحله اول به صورت فرضی است که پس از انتخاب موضوع تحقیق و مطالعه اولیه و گذار درباره موضوع انجام می‌شود و مرحله دوم فصل‌بندی نهایی است که پس از مطالعه دقیق منابع، فیش‌برداری، و جمع‌آوری معلومات انجام می‌گیرد و گزارش نهایی تحقیق براساس آن تدوین می‌شود.
۲. برای مشاهده موارد دیگر از این قبیل نقص‌ها به صفحات ۶۲، ۷۰، ۷۱، ۹۰، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۰، ۳۰۸، ۳۱۴، ۳۱۵ مراجعه شود.
۳. گفتنی است که کاربرد قائمه‌المحتویات در این‌جا درست نیست و بهتر است از واژه فهرس استفاده شود.
۴. این قسمت از پایان‌نامه یعنی چکیده‌ها یا حداقل چکیده انگلیسی معمولاً در آخر پایان‌نامه می‌آید.

کتابنامه

- ابوسليمان، عبدالوهاب (۱۳۷۸)، *روش تحقیق علمی به زبان عربی*، ترجمه باقر حسینی و ملیحه طوسی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۸۶)، *روش تحقیق: با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی*، تهران: بازتاب.
- خلیفة، شعبان (۲۰۱۱)، *دائرة المعارف العربية في علوم المكتبات و المعلومات*، المجلد الثامن عشر، القاهرة: الدار المصرية اللبنانية.
- خورشیدی، عباس و دیگران (۱۳۷۸)، *روش‌های پژوهش در علوم رفتاری (از نظریه تا عمل)*، تهران: نوین پژوهش.
- دلاور، علی (۱۳۸۵)، *روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- زرین کوب، عبدالحسین (۲۵۳۶)، *یادداشت‌ها و اندیشه‌ها*، تهران: جاویدان.
- سنو، اهیف (۲۰۰۱)، *محاضرات في منهجية البحث*، بیروت: جامعة القديس يوسف، معهد الآداب الشرقية.
- شلی، احمد (۱۹۷۴)، *كيف تكتب بحثاً أو رسالة، الطبعة الثامنة*، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.
- صابری، علی (۱۳۸۴)، *المنهج الصحيح في كتابة البحث الأدبي*، تهران: شرح.
- ضیف، شوقی (۱۹۷۲)، *البحث الأدبي: طبيعته، مناهجه، أصوله، مصادره*، القاهرة: دار المعارف.
- عسکری، صادق (۱۳۹۳)، «المعايير المنهجية و النقدية المطلوبة لنشر المقالات العلمية»، *مجلة دراسات في اللغة العربية و آدابها*، ش ۱۹.
- علیان، ربی مصطفی (۲۰۰۱)، *البحث العلمي؛ أسسه، مناهجه وأساليبه، إجراءاته*، لا طبعه، عمان (الأردن): بيت الأفكار الدولية.
- علیان، ربی مصطفی (۲۰۱۹/۱/۳۰)، *الصفحة الشخصية للدكتور ربی علیان في موقع جامعة أردن*: <http://academic.ju.edu.jo/r.elayyan/default.aspx>.
- قراملکی، احد فرامرز (۱۳۸۵)، *روش‌شناسی مطالعات دینی*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- مشکین‌فام، بتول (۱۳۸۶)، *البحث الأدبي؛ مناهجه و مصادره*، تهران: سمت.
- نادری، عزت‌الله و مریم سیف نراقی (۱۳۷۲)، *روش‌های تحقیق در علوم انسانی*، تهران: بدر.

